

کرمان
قبلہ گاہ مہر پرستان
یا البرز کوہ

نویسنده و پویش کر
ناصر شجاعی



عنوان: کرمان قبله‌گاه مهرپرستان یا البرزکوه
نویسنده و پژوهش‌گر: ناصر شجاعی باغینی
مشخصات نشر: تهران، سپند مینو ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۱۷۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۷۷-۳-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: کرمان -- تاریخ

موضوع: Kerman (Iran) -- History

موضوع: کرمان -- سرگذشتنامه

موضوع: Kerman (Iran) -- Biography

موضوع: کرمان -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی

موضوع: Kerman (Iran) -- Social life and customs

موضوع: کرمان -- آثار تاریخی

موضوع: Kerman (Iran) -- Antiquities

ردیف: ۱۳۹۶ ش ۳ / ۶۵ / ۴۷ / DSR۲۰۴۷

شابک: ۹۵۵/۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۰۵۳۱۹

کرمان قبله‌گاه مهرپرستان با البرزکوه

ناصر شجاعی



سپند مینو

نشر: سپند مینو

ویراستار: وحید محمدی پای‌اندر

صفحه آرایی و اجرا: سپند مینو

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۷۷-۳-۶

نوبت چاپ: اول

قیمت: ۱۲,۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: نسیم

فهرست

۹.....	گفتار آغازین.....
۱۵.....	مهر سرچشمه پهلوانی.....
۱۶.....	دانایی به همراه مهرورزی.....
۱۶.....	راه اندازی مراکز دانش در کرمان.....
۱۹.....	سپاس نامه.....
۲۰.....	انگیزه های پنهانی.....
۳۱.....	پیش گفتار.....
۴۱.....	نیم رخ و نیمه نگار.....
۴۱.....	نقشه.....
۴۲.....	چکامه.....
۴۲.....	چشمه انجیرو.....
۴۵.....	چشم.....
۴۶.....	دایتیک (یا دایتی).....
۴۶.....	مهبل.....
۴۶.....	اسکلت.....
۴۷.....	چرخه.....
۴۸.....	ترازوی دادگستری.....
۴۹.....	چکادایتی.....
۴۹.....	درون.....
۵۰.....	ایران ویج.....
۵۱.....	پل چینوت.....
۵۳.....	دبیره.....
۵۴.....	سگ.....
۵۴.....	اشکفت.....
۵۵.....	نیم رخ درون شد.....
۵۶.....	سایه نگاره کلاغ.....

- اشکفت چلیپایی ۵۷
- هاون ۵۸
- زاده شده از کوه (کت حلال حرام) ۵۸
- جام جم ۶۰
- کهن دژ ۶۰
- دژ دختر ۶۱
- سردیس ها ۶۲
- بودا و مهر ۶۳
- گردنه مهر ۶۳
- سناری پیرامون مهر کده شیوشگان ۶۹
- جستار بررسی بازگفت پیدا کردن سایه نگاره ها ۷۵
- عصر بن شد کرمان ۷۸
- نیم رخ مینیا توری از ۷۸
- میدان علی ۸۱
- کهن دژ ۸۱
- گنبد گبری میان گاه جهان باستان ۸۷
- موارد جستار روی پرستش گاه های سایه ۹۵
- دفتر چکامه ها (دیوان اشعار) ۹۷
- دفاتر کهن باستانی و مذهبی ۹۹
- پویانمایی ۱۰۱
- گاه شمار های سایه ای ۱۰۳
- روزن بام ۱۰۴
- مثل افلاطون ۱۰۶
- سیمرغ ۱۰۷
- هاون ۱۰۷
- زاده شدن رهرو از دل کوه ۱۰۷
- نیم رخ مینیا توری از سایه ۱۰۹
- سایه نگاری در باستان شناسی ۱۱۰

- ۱۱۰.....پیام رسیدن نوروز
- ۱۱۰.....خندق‌های نقشه ابجدی
- ۱۱۱.....سایه اهریمنی
- ۱۱۳.....چشم مهرکده
- ۱۱۷.....اشکفت (معابد - غار)
- ۱۱۸.....اشکفت شماره یک
- ۱۲۱.....اشکفت چلیپایی
- ۱۲۱.....دو اشکفت کوچک‌تر
- ۱۲۲.....اشکفت صفا
- ۱۲۲.....غارهای نیمه‌تمام
- ۱۲۲.....تول‌های کشف نشده
- ۱۲۵.....نمادها - تندیس ها
- ۱۲۵.....سگ
- ۱۲۶.....ایزدان همراه مهر
- ۱۲۶.....گاو
- ۱۲۷.....کلاغ
- ۱۲۸.....آناهیتا
- ۱۲۹.....جام جم یا جام سایه‌نگاری
- ۱۲۹.....جام سایه‌ایی
- ۱۳۱.....خنیاگری
- ۱۳۲.....کرمان دل عالم
- ۱۳۳.....سردیس
- ۱۳۳.....نوشته‌هایی مبهم
- ۱۳۴.....جام برنجی کرمان
- ۱۳۴.....کرمان شهر هفت دروازه
- ۱۳۵.....کرمان قبله گاه مهرپرستان
- ۱۳۶.....پُل چینوت و ترازوی چند حالتی
- ۱۳۸.....البرز یا شیون کوه یا شیوشگان
- ۱۴۲.....پایه مثل افلاطونی

۱۴۵.....	دریای فراخ کرت
۱۴۷.....	ورزش پهلوانی باستانی یادگار کیش مهر
۱۴۷.....	فرمانروایی دوجنیه
۱۴۸.....	رزم آوری
۱۴۸.....	برکت بخشی
۱۵۱.....	زورخانه
۱۵۳.....	تاثیر بر عرفان و تصوف
۱۵۴.....	مراحل هفت گانه آیین مهر
۱۵۴.....	مراحل هفت گانه تصوف
۱۵۵.....	فلز
۱۵۹.....	فرجام پژوهش ها
۱۵۹.....	البرز کوه
۱۵۹.....	دریای فراخ کرت
۱۵۹.....	هویت مینرایی
۱۶۰.....	قبله گاه مهرپرستان
۱۶۰.....	پویانمایی
۱۶۰.....	چرخه زندگی (اکوسیستم)
۱۶۰.....	گاه شماری
۱۶۱.....	سن دست کند
۱۶۱.....	مُثل افلاطون
۱۶۲.....	دگرگونی تاریخچه پیدایش پایه برخی دانش ها
۱۶۲.....	جایگاه سایه نگاری در باستان شناسی
۱۶۲.....	توسعه گردشگری
۱۶۳.....	جام جم
۱۶۳.....	جایگاه بنیادین برگزاری جشن مهرگان و جشن نوروز
۱۶۳.....	چکامه ها
۱۶۵.....	سرچشمه ها

گفتار آغازین

به نام آن پرودگار بی‌همتا و به پشتوان آن هوشمند توانا، که همه گیتی در پهنه توان اوست، آغاز می‌کنم این دفتر را که کوشش بسیار کردم تا بخش‌هایی مهم را از تاریخ و فرهنگ کم‌شده ایران زمین را زنده کنم. زاده کرمانم و از خردسالی دوست‌دار فرهنگ پرشکوه ایران زمینم و با این‌که کارشناس ارشد رشته تربیت بدنی هستم، در هم‌آوردها (مسابقات) بسیاری شرکت کردم و به پیروزی‌های بسیاری در رشته‌های گوناگون ورزشی در پهنه (سطح) ملی و آسیا دست یافتیم، ولی پژوهش درباره تاریخ و بازمانده‌های (آثار) تاریخی را از بالاترین بُن‌دین (اولی) خود می‌دانم. به همین شوند (دلیل) پس از پژوهش‌های بسیار در ایران باستان متوجه شدم، باستانی ارزشمندی در استان کرمان شده که برآیند آن نگاشتن این نَسک (کتاب) شد. نام آن را «اساس چکیده یافته‌ایم، «مهرکده شیوَشگان یا البرزکوه» نام نهادم. خداوند بخشایشگر مهرِ رُپویا نیز بی‌نهایت یاری‌ام کرد و این گنجینه تاریخی - فرهنگی را شایگان و رایگان به من بخشید، که در جهان شگرف (بی‌مانند) است. سپاس بی‌شمار دارم‌ای دانای دادار که مرا بی‌ایمان به مهرت نواختی و آنچه بخشیدی مرا به دیگری بخشیدی و توان آن ارزانی داشتی تا این جنگ از جستارهایم را در این دفتر گرد آوردم تا شاید گامی در جهت شناخت فرهنگ سرزمین سپندینه‌ام برداشته باشم و امیدوارم سبب خشنودی فرهیختگان، اندیشمندان، ادب‌دوستان و ایران‌دوستان شده باشم. امیدوارم که چکیده پژوهش‌هایم راستین باشد.

کرمان قبله‌گاه مهرپرستان یا البرزکوه

آرمان (هدف) من شناساندن پایه و بُنِ فرهنگِ آغازین همه تمدن‌های ایران‌زمین است، که به پندار من فرهنگ در کرمان آغازین یافته است. هم‌چنین با شناساندن این یادمان باستانی به هازمان (جامعه) جهانی، سبب رونق چرخه گردشگری شود، تا کمکی کرده باشم که مردم کشورم زندگی بهتری داشته باشند و پیشه‌های کساد بازار داخلی و برون مرزی (خارجی)، رواج پیدا کند، و بسیاری پیشه‌های جدید دیگر نیز به وجود آید و فرهنگ‌ها (سوغات) و پیشه‌های دستی (صنایع دستی)، افزون گردد. پیشه‌هایی چون راه‌اندازی هتل‌ها و... مکان‌هایی از این‌گونه که وابسته به گردشگری است، رواج یابد. سبب شود تا مردم میهن، نوان مالی بهتری در زندگی‌های روزمره‌شان داشته باشند. همانا این توان مالی سبب زدودن غم از چهره‌های زیبای‌شان خواهد شد و لبخند شادی جای آن را خواهد گرفت. یک تریسم، شیوَشگان چاه نفتی است که درآمد آن پایانی ندارد. بایستی با همراهی اندیشمندان و همت فرنیشتان (روسا)، زمینه‌های گوناگون شکوفایی آن را فراهم گردانیم. برای پی بردن به فرهنگ ایرانیان باستان بایستی چگونگی آن دوران را درک کرد و همانند آنها اندیشید.

مانایی (دوام) من در پیگیری گسترده و دراز مدت در پژوهش‌ها، سبب مهر بی‌همتای بود که همواره در درونم نسبت به کشورم می‌جوشد، و این مهر هرگز پایانی ندارد، جوشش این مهر سبب شد که پژوهش‌هایم هر چه سردتر در زوایای مختلف این نَسک گردید، امیدوارم که این دفتر بتواند درهای ناگشوده‌ای را از فرهنگ گران‌سنگ ایران‌زمین بگشاید و گستردگی پهنه دانش و هنر شگرف و شورانگیزش را توانسته باشم به نیکویی شناسانده باشم. فرهنگ فسون‌بار و ماندگاری که مایه نازش و سرافرازی هر ایرانی در پهنه گیتی است و پایگاه و پائندان (میانجی) جاودانگی ایران، وجود مهر است که چو نان بهینه بوم فرمند فرزاندگی و فرهنگ و فرهیختگی است.

ای دادار توانای دانا؛ در راهی که برگزیده‌ام به نیکویی بی‌کرات به بهترین و نیکوترین شیوه یاری‌ام فرما، و سپاس بی‌انتهایم را به آن‌چه که مرا داد و دهش فرموده‌ای، پذیرا باش.

ایزد؛ همواره توانای‌ام ببخشش تا در راهی که گام نهاده‌ام، به راستی و درستی پیروز و سربلندم گردانی.

ای اهر؛ هرجا که می‌نگرم تو در برابرم باش، هر آرمانی که بر می‌گزینم تو پایانش باش، در هر دشمنی و گرفتاری، پناهگاه و پشتیبانم باش، در هر بی‌مهری که به من روا داشتند تو دادیاره باش و از سر توجه و نیکویی در همه کار مرا به دست توانای خویش در بگیر. گام بر داشتن در مسیر آدمیت، تنها راه رسیدن به پیرامونت می‌دانم و امیدوارم بتوانم در این راه به نیک و سپاری گام بردارم.

تنها با یاری توای پروردگار دانا می‌توانیم به رموز تمدن پرشکوه تاریخ گذشته کشورم پی ببریم، این امر بدون جود بخشش توای همیشه زنده‌ی توانا، امکان‌پذیر نیست. امروزه به دنبال اسراری هستم که پس از نابود شدن آیین مهر، آن اسرار در دل تاریخ به خاک سپرده شده است.

با کشف این پستوانه‌های (آسناد) گردآوری شده باستانی پچیده و رازآلود، یادآور آن است که رازهای زیادی از گذشته‌های دیرین ایران زمین، سر کشف نشده است، شوربختانه (متأسفانه) کسی پی‌گیر چنین یادمان باستانی مهمی را کردن نشده است. از این‌رو پژوهش ژرف (عمیق) در مورد فرهنگ برابر و پرشکوه باستانی ایران زمین می‌تواند راستیات (حقایق) بسیاری را از بلندای تاریخ پرشکوه که پنهان مانده است، آشکار سازد. این افکار نورانی از پندار نیک آموخته‌های کهن ایران باستان برخاسته است، ایرانیان پیرو کیش مهر، اولین مردمانی در جهان بوده‌اند که یکتاپرست بوده‌اند. بهترین راه رسیدن به

کرمان قبله گاه مهرپرستان یا البرزکوه

خدا را هم خدمت به خلق خدا می دانستند و حد و مرز فیزیکی هم برای چارچوب این اندیشه نمی شناختند. می توان پژوهش گرانه به منشور کورش اشاره کرد؛ که از آیین مهرپرستان، و از پندارهای نیک زرتشت سرچشمه گرفته شده است. گاه این کمک رسانی را بیرون از مرزهای ایران اجرا در می آوردند، که به گام کردار نیک می انجامید و چون مهر وجودی شان فزونی داشت، پس با دل افکندن (الهام گرفتن) از مهر، کارافکنی رایگان برای بشریت را اساس پیمان بستن درونی خود را با مهر، دل برمی افراشتند. این کنش کران، با فره زگان (صفات) بسیار پسندیده، با باشندگی (حضور) در فراز مرزهای کشور، و استفاده از اندیشه های گرانیامیه (با ارزش) دستوران (دانشمندان) ایران باستان، بهره ها به بشریت می رسیدند. دستوران ایرانی با پُرسمان های (مسایل) بارز پهنه گیتی در آن روزگاران آشنایی وافر داشتند. آنان گرفتاری و دشواری های مردمان آن روزگاران را به خوبی می شناختند و برای نیک، بهر زمان (جامعه) جهانی و برای بهتر شدن مناسبات و گرفتاری های آنان، فرمان هایی را دسته می دادند که بهترین راهکارها برای نیک گذران زندگی مردمان بسیاری می بود. دستورن با پذیرایی از سوی رهپویان (سالکان) پهلوان منش روبه رو می شد. دستوران به مانند دریایی بی پایان و پهناور از خردورزی بودند و راهپویان با کارگشتگی و اجرای بهترین فرامین بایسته (لازم را، با بی رویی (تعصب)، به کارگشایی برای بزرگ ترین دشواری های بشریت، همتی فروزنده داشتند. اگر رهپویان بونده (کامل) بیرو، این فرامین آیینی را اجرا نمی کردند، دیگر ایرانی شمرده نمی شدند. ایرانیان در جهان، به گونه ای با فرمان (لقب) پهلوان شناخته می شدند و بدان ستوده (مبارک) می شدند، این ویژگی هم ساز و هم تراز (اعتدال) با منش ایرانیان هماهنگ بوده است. مهرپرستان خدمت به بشریت را ارزنده و بزرگ می پنداشتند تا بیشتر مورد توجه ایزدان باشند، نمونه بارز آن برپایی ترعه (کانال) سوئز در عهد باستان بوده که به شیوایی در پاسداشت و گسترش (ترویج) مهر در جهان، انجام شده بود.

دیگر بار هنگامی که عارف بزرگ حضرت شاه نعمت‌الله، در پی جولانگاه سیمرغ مهر، سرزمین‌های بسیاری را با چشم دل، جهت آرام گرفتن دل، کنکاش کرد و سرگشته و شوریده حال، در جُستن آغازین پرتوهای آرمان مهرورزی، وادی‌های بسیاری را پشت سر گذاشت، در پایان، با دیده دل به میانه گیتی رسید و روانش در کرانه اقیانوس مهر آرام گرفت. آری او کرمان را شهر آرمان‌های رویایی خویش یافت. سروده زیبای نامدارش که افروزنده همه انجمن‌های کرمان است، بیانگر رازهایی است که با آشکارسازی آن اسرار، تاریخ باستانی ایران دیگرگون خواهد شد. سرودن چنین چکامه (شعر) اهورایی، سخت مورد توجه چکا. خوانان (شعرخوانان) بوده است که در جهت شناساندن راستین راستی‌های پنهان مانده در باب برگردان کرمان بوده است، و از برای بر هم آوردن ترتیبات ادبی این چکامه (شعری) نبوی است بلکه آرمان، آشکارسازی نهانی‌ترین رازهای راستین خاک پاک کرمان زمین است که به زیبایی و سیوایی سروده شده است. وی تا پایان غروب خود، کرمان را ترک نکرد و سرانجام در همین سامان (ماهان)، و در هم‌جواری جایگاه سیمرغ مهر تا ابد آرام گرفت. سروده دل‌نشینان که در وارون (خلاف) پیشگویی که از آینده می‌کرد، این بار وارون (برعکس) دیگر پیش‌بینی‌ها گذشته بسیار دور این دیار را آرمان (هدف) داشته است:

در روی زمین نیست چو کرمان جای

کرمان دل عالم است و ما اهل دلیم

شاه نعل‌الاولی

در جایی دیگر به جای کرمان، ماهان ثبت شده است، به گمانم؛ پرتره (عکس) سایه‌نگاره مینیاتوری آن جوان ماهرو و زیبا است که در تاق علی نقش می‌بندد را آرمان

کرمان قبله گاه مهرپرستان یا البرزکوه

(هدف) قرار داشته بوده است. از این رو اشاره به ماهان، آرمان همان فرتور سایه نگاره مینیاتوری از سایه است.

اگر بخواهیم موشکافی کنیم در این سروده زیبا، کرمان را مرکز مهر (عشق) همه گیتی پنداشته است و هیچ جایی در جهان را برابر با دیار پرافتخارمان نمی داند. مگر نه این است که آدمی برای مهرورزیدن به خدا آفریده شده است. پس کرمانی ها در بهره وری، پیرشگاه پارسایی در کیش مهرورزی، همواره شاگرد ممتاز هستند. مهری که آسمان و زمین از پذیرش آن سباز زدند، و به فرموده حضرت حافظ؛

«قرعه فال به نام من دیوانه زدند»

در جایی دیگر شاه نعمت الله ولی، باز موشکافی بیشتری نموده و رازی بزرگ را در راستای وجودی پنهان و در زیر خاک مانده این سرزمین را افشا کرده است. ایشان زمانی که به کرمان می رسد یک مشت خاک را داخله شیوشگان بر می چیند و چنین بیان کرده است: «هر که در دامن این خاک رستن کند مجنون خواهد شد». برگردان این سخن است که: خاک مهر پرور کرمان، مردم را مهرورزی (عاشق) بی همتا می سازد، آن هم از نوع ناب ترینش، فرق نمی کند اهل کجای عالم باشی... می را که در این دیار بیاسایی و بر روی خاک این دیار پای گذاری، تو هم خُلق و خوی (ساخت) مهر را می گیری و به بوی مهر خوشبو می گردی.

سراغاز این پندار به البرزکوه باز می گردد، از این روست که به شود (دلیل) هم جواری کرمان با البرزکوه که به همین مناسبت بزرگ ترین نیایش گاه کیش مهر در کوه های شیوشگان (البرز)، بنا نهاده شده است.

چکامه علامه طباطبایی درباره کیش مهر در همین راستاست:

همی گویم و گفته ام بارها بود کیش من مهر دلدارها

پرستش به مستی ست در کیش مهر برونند زین جرگه هوشیارها

...چه فرهادها مُرده در کوهها چه حلاجها رفته بر دارها

به گواهی (شهادت) شادروان دکتر زریاب، مدرس فلسفه تاریخ و مدیر گروه سال‌های نه چندان دور گروه تاریخ دانشگاه تهران، دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی علاوه بر کرمان عاشق ایران و مردم آن نیز هست.

«کس نمی‌اند که در ذهن باستانی، ایران اصل است یا کرمان؟ پاریز فرع است یا کرمان؟ اگر کسی به اوضاع جهان واقف نباشد و فقط نوشته‌های باستانی پاریزی را بخواند، خیال خواهد کرد که کرمان دل ایران است و پاریز دل کرمان».

استاد باستانی پریز، البرزکوه را در استان کرمان می‌پنداشت و البرزکوه را همان پیوستگی (سلسله) کوه مالبارز می‌دانست که از جیرفت کشیده شده و تا پاریز ادامه دارد.

بر اساس گواهی‌هایی (مداکی) که به‌دست آوردم گمان می‌رود به احتمال زیاد البرزکوه، همان شیوشگان باشد. شاید فرعون که از مهر در البرزکوه تأیید گرفته شده، بیش از همه جهانیان، بر کرمانیان تأیید شده است همان‌گونه که شاه نعمت‌الله ولی به درستی کرمان را «دل عالم» شهرت داد، از این می‌توان ره‌آورد این چکامه را چنین تفسیر کرد که: مهم‌ترین پاره تن ایران‌زمین دل (قلب) آن است، که تأیید آن می‌تواند دیگر اندام‌ها را زندگی بخشد، کرمانی‌ها بر این مهر اهورایی شادمانند و به خود می‌بالند.

مهر سرچشمه پهلوانی

جستارهای پژوهش‌گران نشان می‌دهد که «مهر» نخستین پهلوان ایران‌زمین بوده و آیین ورزش باستانی زورخانه نیز به کیش مهر باز می‌گردد.